

ارائه مدل ساختاری هوش موفق با رویکرد آموزشی در توانمندسازی روان‌شناختی اساتید دانشگاه‌های استان گلستان

طاهره تیموری یانسری^۱ معصومه باقرپور^۲ نگین جباری^۱	تاریخ چاپ: ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ تاریخ پذیرش: ۳۰ فروردین ۱۴۰۴ تاریخ بازنگری: ۲۳ فروردین ۱۴۰۴ تاریخ ارسال: ۲۲ اسفند ۱۴۰۳	شیوه استناددهی: تیموری یانسری، طاهره، باقرپور، معصومه، و جباری، نگین. (۱۴۰۴). ارائه مدل ساختاری هوش موفق با رویکرد آموزشی در توانمندسازی روان‌شناختی اساتید دانشگاه‌های استان گلستان. یادگیری هوشمند و تحول مدیریت، ۳(۱)، ۱۶-۱.
--	---	---

چکیده

هدف این پژوهش طراحی و اعتبارسنجی مدل ساختاری تأثیر هوش موفق با رویکرد آموزشی بر توانمندسازی روان‌شناختی اساتید دانشگاه‌های استان گلستان است. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، آمیخته اکتشافی متوالی (کیفی-کمی) است؛ در بخش کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۳ نفر از خبرگان دانشگاهی گردآوری و با رویکرد نظریه داده‌بنیاد تحلیل شد و در بخش کمی، ۲۸۹ نفر از اساتید دانشگاه‌های استان گلستان با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب و داده‌ها با پرسشنامه محقق‌ساخته و به کمک مدل‌سازی معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) تحلیل گردید. نتایج نشان داد که هوش موفق با رویکرد آموزشی اثر مثبت، مستقیم و معناداری بر توانمندسازی روان‌شناختی اساتید دارد و راهبردهای آموزشی استخراج‌شده نقش میانجی مؤثری در این رابطه ایفا می‌کنند؛ به گونه‌ای که مدل نهایی توانست ۴۹.۶ درصد از واریانس توانمندسازی روان‌شناختی را تبیین کند و مؤلفه‌های «ارتباط دوسویه و همدلانه با دانشجویان» و «طراحی آگاهانه سناریوی تدریس» بالاترین بارهای عاملی را به خود اختصاص دادند. بر اساس یافته‌ها، پرورش همزمان تفکر تحلیلی، خلاق و عملی در قالب آموزش مبتنی بر هوش موفق می‌تواند به‌عنوان راهبردی اثربخش، احساس شایستگی، معنا، خودمختاری و اثرگذاری اساتید را ارتقا داده و مبنای بومی و عملیاتی برای برنامه‌های توسعه حرفه‌ای در آموزش عالی فراهم آورد.

واژگان کلیدی: هوش موفق، رویکرد آموزشی، توانمندسازی روان‌شناختی، اساتید دانشگاه، مدل‌سازی معادلات ساختاری

مشخصات نویسندگان:

۱. گروه مدیریت آموزشی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران
۲. دانشیار، گروه علوم تربیتی، واحد بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگز، ایران

پست الکترونیکی: Ma.Bagherpur@iau.ac.ir



© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به

نویسنده است.

انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی CC BY-NC 4.0 صورت گرفته است.

Presenting a Structural Model of Successful Intelligence with an Educational Approach in the Psychological Empowerment of University Professors in Golestan Province

Tahereh Teimouri Yansari ¹ Masoumeh Bagherpour ^{2*} Negin Gabbary ¹	Submit Date: 12 March 2025 Revise Date: 12 April 2025 Accept Date: 19 April 2025 Publish Date: 10 May 2025	How to cite: Teimouri Yansari, T., Bagherpour, M., & Gabbary, N. (2025). Presenting a Structural Model of Successful Intelligence with an Educational Approach in the Psychological Empowerment of University Professors in Golestan Province. <i>Intelligent Learning and Management Transformation</i> , 3(1), 1-16.
--	---	---

Abstract

This study aimed to design and validate a structural model of the effect of successful intelligence with an educational approach on the psychological empowerment of university professors in Golestan Province. The study was applied in purpose and employed a sequential exploratory mixed-methods design; in the qualitative phase, semi-structured interviews with 13 university experts were analyzed using grounded theory, and in the quantitative phase, data were collected from 289 professors selected through stratified random sampling and analyzed using partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM) based on a researcher-developed questionnaire. The results demonstrated a positive, direct, and significant effect of successful intelligence with an educational approach on professors' psychological empowerment, with educational strategies acting as an effective mediating mechanism, explaining 49.6% of the variance, while "empathetic two-way communication with students" and "conscious instructional scenario design" exhibited the highest factor loadings. The findings indicate that cultivating analytical, creative, and practical thinking through successful-intelligence-based education can serve as an effective strategy for enhancing professors' competence, meaning, autonomy, and impact, offering a localized and operational framework for faculty professional development in higher education.

Keywords: *Successful Intelligence, Educational Approach, Psychological Empowerment, University Professors, Structural Equation Modeling*

Authors' Information:

Ma.Bagherpur@iau.ac.ir

1. Department of Educational Management, Go.C, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

2. Associate Professor, Department of Educational sciences, BG.C, Islamic Azad University, Bandar Gaz, Iran



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the [CC BY-NC 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) License.

مقدمه

تحولات شتابان جهان معاصر، به‌ویژه در حوزه‌های دانش، فناوری و ساختارهای اجتماعی، موجب شده است که نظام‌های آموزشی و دانشگاهی با انتظاراتی فراتر از انتقال صرف دانش مواجه شوند. در چنین شرایطی، نقش اعضای هیأت علمی دیگر محدود به تدریس محتواهای علمی نیست، بلکه آنان به‌عنوان کنشگران اصلی توسعه انسانی، اجتماعی و فرهنگی، مسئول پرورش توانایی‌های پیچیده شناختی، حل مسئله، خلاقیت و انطباق‌پذیری در فراگیران محسوب می‌شوند. این تغییر پارادایمی، ضرورت بازاندیشی در شایستگی‌های حرفه‌ای اساتید و سازوکارهای توانمندسازی آنان را بیش از پیش برجسته کرده است. یکی از مفاهیم کلیدی که در سال‌های اخیر توجه پژوهشگران حوزه آموزش و روان‌شناسی را به خود جلب کرده، «توانمندسازی روان‌شناختی» است که به تجربه ذهنی افراد از معنا، شایستگی، خودمختاری و اثرگذاری در نقش‌های حرفه‌ای اشاره دارد و به‌عنوان پیش‌نیاز عملکرد اثربخش، نوآوری آموزشی و رضایت شغلی تلقی می‌شود (Derakhshan & Bagheri, 2022; Ghorbani et al., 2022).

توانمندسازی روان‌شناختی اساتید دانشگاه، نقشی تعیین‌کننده در کیفیت آموزش عالی ایفا می‌کند؛ زیرا اساتیدی که از احساس شایستگی و اثرگذاری بالاتری برخوردارند، آمادگی بیشتری برای به‌کارگیری روش‌های نوین تدریس، تعامل سازنده با دانشجویان و مواجهه خلاقانه با چالش‌های آموزشی دارند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که این نوع توانمندسازی نه تنها به بهبود عملکرد حرفه‌ای منجر می‌شود، بلکه زمینه‌ساز ارتقای سرمایه انسانی و یادگیری سازمانی در دانشگاه‌هاست (Amani, 2022; Majooni & Taajobi, 2022). با این حال، پرسش اساسی آن است که چه سازوکارهای شناختی و آموزشی می‌توانند به‌طور مؤثر این تجربه درونی توانمندی را در اساتید تقویت کنند.

در پاسخ به این پرسش، نظریه «هوش موفق» استرنبرگ به‌عنوان یکی از چارچوب‌های نوین و کاربردی در روان‌شناسی شناختی و آموزش مطرح شده است. بر اساس این نظریه، موفقیت در زندگی و حرفه نه صرفاً حاصل توانایی‌های تحلیلی سنتی، بلکه نتیجه تعامل متوازن میان سه مؤلفه هوش تحلیلی، خلاق و عملی است؛ به‌گونه‌ای که فرد بتواند نقاط قوت خود را شناسایی و به‌کار گیرد و ضعف‌ها را از طریق سازگاری با محیط جبران کند (Sternberg, 2020). هوش موفق تأکید دارد که آموزش اثربخش باید به‌طور همزمان این سه نوع توانش را پرورش دهد تا فرد قادر باشد دانش را تحلیل کند، ایده‌های نو بیافریند و آن‌ها را در موقعیت‌های واقعی به‌کار بندد.

مطالعات داخلی و خارجی متعددی کارآمدی آموزش مبتنی بر هوش موفق را در ارتقای متغیرهای شناختی، انگیزشی و هیجانی تأیید کرده‌اند. برای مثال، نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه آموزش دانش‌آموزان نشان می‌دهد که آموزش هوش موفق می‌تواند به بهبود انگیزش درونی، خوش‌بینی تحصیلی، خودآگاهی هیجانی و درگیری تحصیلی منجر شود (Fathi Azar et al., 2024; Mohkamkar et al., 2024). همچنین در

زمینه رفتارهای پرخطر، طراحی و اجرای بسته‌های آموزشی مبتنی بر هوش موفق نقش مؤثری در کاهش گرایش به رفتارهای پرخطر و تقویت پیوندهای خانوادگی ایفا کرده است (Z. Baramake et al., 2024; Zahra Baramake et al., 2024; Baramkeh et al., 2024). در سطح شناختی عمیق‌تر، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که آموزش مؤلفه‌های هوش موفق مبتنی بر نظریه سه گانه استرنبرگ، موجب افزایش استدلال سیال، درک کلامی و عملکردهای اجرایی می‌شود (P. Kamkar et al., 2021; Peyman Kamkar et al., 2021). این یافته‌ها نشان می‌دهد که هوش موفق نه تنها یک مفهوم نظری، بلکه چارچوبی مداخله‌پذیر و قابل آموزش است که می‌تواند در بافت‌های مختلف آموزشی به کار گرفته شود. افزون بر این، برنامه‌های تقویت هوش موفق مبتنی بر مؤلفه‌های دیداری، کلامی و عددی، نقش معناداری در تقویت هوش‌های چندگانه دانش‌آموزان داشته‌اند (Kiani & Zangeneh, 2022).

در حوزه آموزش عالی و مدیریت آموزشی، توجه به هوش موفق به عنوان بنیانی برای شایستگی‌های حرفه‌ای مدیران و اساتید در حال افزایش است. پژوهش‌ها در زمینه مدیران مدارس استثنایی نشان می‌دهد که هوش موفق، در تعامل با انواع دیگر هوش از جمله هوش مدیریتی و شخصیتی، می‌تواند به توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای و تصمیم‌گیری اثربخش منجر شود (Ghaebi Mihandoust et al., 2022; Ghaebi Mihmandoust et al., 2023). این نتایج بیانگر آن است که هوش موفق می‌تواند به عنوان پیونددهنده قابلیت‌های شناختی فرد با کنش‌های حرفه‌ای در محیط‌های پیچیده سازمانی عمل کند.

از منظر روان‌شناختی، ارتباط هوش موفق با متغیرهای عمیق‌تری نظیر خرد، خودکارآمدی و بهزیستی روان‌شناختی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش‌های ساختاری نشان می‌دهد که هوش موفق می‌تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم (از طریق خودکارآمدی و صبر) پیش‌بینی‌کننده خرد و رشد روان‌شناختی باشد (Derakhshan & Bagheri, 2022; Ghorbani et al., 2022). این شواهد، ظرفیت بالای هوش موفق را برای تبیین فرآیندهای درونی توانمندسازی برجسته می‌سازد.

با وجود گستردگی پژوهش‌ها در زمینه آموزش هوش موفق، بخش قابل توجهی از مطالعات داخلی بر دانش‌آموزان یا مدیران آموزشی متمرکز بوده و کمتر به نقش این سازه در توانمندسازی روان‌شناختی اساتید دانشگاه پرداخته‌اند. اگرچه برخی پژوهش‌ها به شایستگی حرفه‌ای معلمان و نقش هوش موفق در عملکرد خلاقانه از طریق خودکارآمدی اشاره کرده‌اند (Amani, 2022; Majooni & Taajobi, 2022)، اما طراحی یک مدل ساختاری جامع که سازوکارهای آموزشی مبتنی بر هوش موفق را در پیوند با توانمندسازی روان‌شناختی اساتید دانشگاه تبیین کند، همچنان با خلأ پژوهشی مواجه است.

از سوی دیگر، مطالعات مداخله‌ای اخیر نشان داده‌اند که آموزش هوش موفق می‌تواند به ارتقای توانمندی‌های شناختی و روانی نوجوانان و دانش‌آموزان منجر شود (Khaleghinejad, 2025; Khaleghinejad et al., 2025; Khaleghitabar et al., 2022). تعمیم منطقی

این یافته‌ها به بافت آموزش عالی، این فرض را تقویت می‌کند که اساتید دانشگاه نیز می‌توانند از آموزش و به‌کارگیری راهبردهای هوش موفق در جهت افزایش احساس توانمندی، کنترل حرفه‌ای و معنا در کار بهره‌مند شوند.

در مجموع، مرور ادبیات نشان می‌دهد که هوش موفق به‌عنوان یک سازه چندبعدی، ظرفیت آن را دارد که از طریق راهبردهای آموزشی مشخص، به توانمندسازی روان‌شناختی اساتید دانشگاه منجر شود؛ با این حال، فقدان مدل‌های بومی و ساختاری در این زمینه، به‌ویژه در بافت دانشگاه‌های ایران، ضرورت انجام پژوهش‌های جامع‌تر را آشکار می‌سازد.

بنابراین، هدف پژوهش حاضر طراحی و اعتبارسنجی مدل ساختاری تأثیر هوش موفق با رویکرد آموزشی بر توانمندسازی روان‌شناختی اساتید دانشگاه‌های استان گلستان است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش آمیخته (کیفی و کمی) از نوع اکتشافی متوالی می‌باشد. در بخش کیفی از روش داده بنیاد با رویکرد تحلیل مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با خبرگان با توجه به مدل پارادایمی اشتراووس و کوربین و در بخش کمی چون به بررسی وضعیت موجود پرداخته شد از روش توصیفی از نوع پیمایشی استفاده شد. در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها، از روش کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌ها استفاده شد. کدگذاری مصاحبه‌ها به‌موازات انجام مصاحبه‌ها صورت گرفت؛ به این معنی که پس از انجام هر مصاحبه داده‌های آن مصاحبه مورد کدگذاری قرار می‌گیرد تا از طریق کدگذاری داده‌ها امر دسته‌بندی و تفسیر آن‌ها صورت پذیرد. با کدگذاری چند مصاحبه نخست پژوهشگر چارچوب ذهنی اولیه را ایجاد کرده و با انجام مصاحبه‌های بعدی، با استفاده از کدهای جدید به‌دست‌آمده، چارچوب ذهنی را توسعه داد. این فرایند تا زمانی ادامه یافت که اشباع نظری حاصل شود و مصاحبه‌ها به پایان رسید. طبقه‌بندی داده‌ها با اطلاق کدهای جداگانه و مرور مکرر و ادغام کدهای مشابه انجام می‌گیرد تا کدهای اصلی تولید شوند. مراحل کدگذاری در پژوهش حاضر عبارت‌اند از کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی (گزینشی) است. جامعه آماری در بخش کیفی صاحب نظران و اساتید دارای تجربه که دارای مرتبه علمی دانشیار و بالاتر و دارای سابقه کاری بالای ۱۰ سال هستند به تعداد ۲۵ نفر از آنان مورد شناسایی قرار گرفت و در بخش کمی اساتید دانشگاه‌های استان گلستان شامل (دانشگاه فرهنگیان، آزاد اسلامی و علوم پزشکی و موسسات آموزش عالی غیرانتفاعی استان) به تعداد ۱۱۶۲ نفر که در بخش کمی از نظرات آنان استفاده شد. در بخش کیفی با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و با در نظر گرفتن قانون اشباع داده‌ها تعداد ۱۳ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. پژوهشگر بعد از مصاحبه

۱۳ با اشباع داده‌ها مواجه شد، ولی جهت اطمینان از کفایت داده‌ها، فرایند مصاحبه تا نفر ۱۴ ادامه یافت، لذا نمونه آماری در این بخش ۱۳ نفر می‌باشد.

جدول ۱. آمار جمعیت شناختی مصاحبه شوندگان

ردیف	مدرک تحصیلی	رشته تحصیلی	مرتبه علمی
۱	دکتری	مدیریت آموزشی	دانشیار
۲	دکتری	مدیریت آموزشی	دانشیار
۳	دکتری	مدیریت آموزشی	دانشیار
۴	دکتری	مدیریت بازرگانی	استاد
۵	دکتری	مدیریت آموزش عالی	دانشیار
۶	دکتری	برنامه‌ریزی آموزشی	دانشیار
۷	دکتری	مدیریت خدمات بهداشتی درمانی	استاد
۸	دکتری	مدیریت دولتی	استاد
۹	دکتری	برنامه‌ریزی درسی	دانشیار
۱۰	دکتری	مدیریت آموزشی	دانشیار
۱۱	دکتری	برنامه‌ریزی درسی	دانشیار
۱۲	دکتری	مدیریت آموزشی	دانشیار
۱۳	دکتری	مدیریت آموزش عالی	دانشیار

در بخش کمی بر اساس فرمول کوکران در سطح اطمینان ۹۵٪ و خطای اندازه‌گیری $\alpha=5\%$ ، تعداد ۲۸۹ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای برحسب واحد دانشگاهی به شرح جدول ۲ به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

جدول ۲. تعداد جامعه و نمونه آماری به تفکیک واحد دانشگاهی

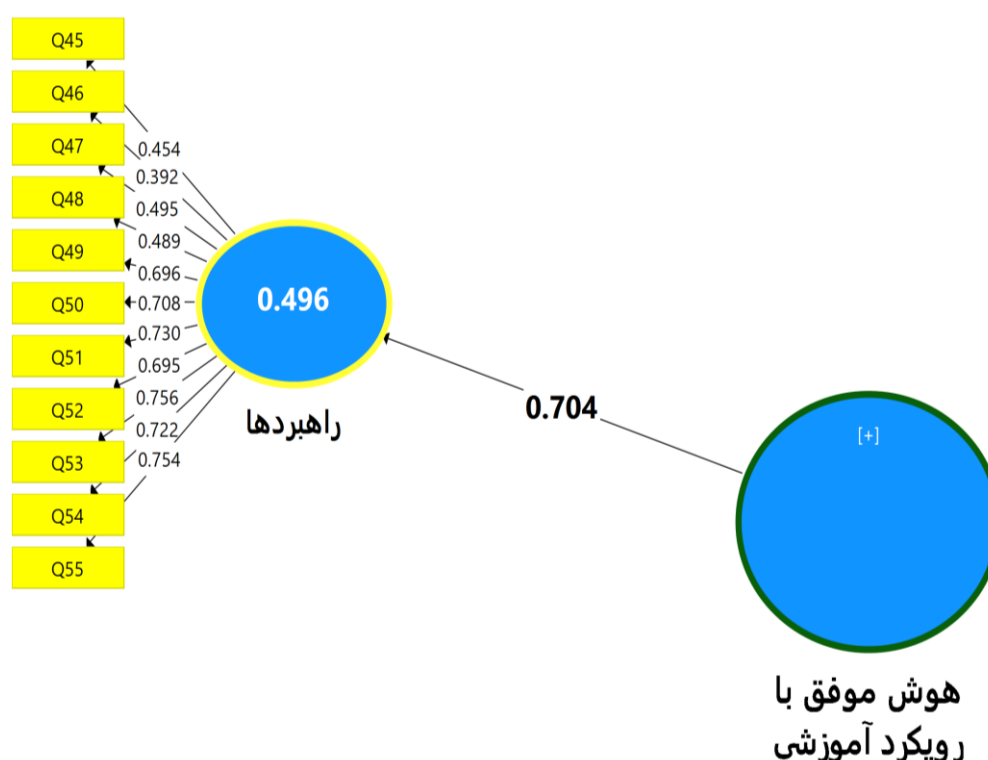
دانشگاه	جامعه	نمونه	نسبت
دانشگاه علوم پزشکی گلستان	۳۳۳	۸۳	۲۸/۶
دانشگاه گلستان (گرگان)	۱۷۵	۴۴	۱۵/۱
دانشگاه پیام نور استان گلستان	۷۵	۱۹	۶/۴
دانشگاه فرهنگیان گلستان	۵۰	۱۲	۴/۳
دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان	۷۸	۱۹	۶/۷
دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی‌آبادکتول	۷۰	۱۷	۶/۱
دانشگاه آزاد اسلامی واحد گنبد کاووس	۶۵	۱۶	۵/۶
سایر واحدهای دانشگاه آزاد استان	۱۵۲	۳۸	۱۳/۱
موسسات آموزش عالی غیرانتفاعی استان	۱۶۴	۴۱	۱۴/۱
مجموع	۱۱۶۲	۲۸۹	۱۰۰

ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی برای گردآوری داده‌ها از دو ابزار فیش و مصاحبه نیمه ساختار یافته جهت شناسایی شاخص‌های هوش موفق با رویکرد آموزشی استفاده شد.

مقادیر AVE برای کلیه مؤلفه‌ها بزرگتر از ۰/۵ هستند، بنابراین مدل دارای روایی همگرا است. محقق جهت سنجش پایایی ابزارها از آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده نموده است. آزمون آلفای کرونباخ برای بررسی همبستگی درونی سؤالات در خارج از مدل است که ضریب آلفا باید بالای ۰/۷ باشد. لذا مدل اندازه‌گیری دارای پایایی است برای تحلیل داده‌های کیفی در حین انجام مرحله کیفی در قالب طرح پارادایمی پژوهش از سه مرحله کدگذاری باز و کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی استفاده شد. سپس در قالب پرسش‌نامه اولیه و نهایی بعد از انجام کدگذاری‌ها بدست آمد. در بخش کمی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS ۲۱ و PLS ۳.۲ و MAXQDA ۲۰۲۰ انجام گرفت.

یافته‌ها

تحلیل راهبردهای مؤثر در هوش موفق با رویکرد آموزشی با استفاده از مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که راهبردها نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود هوش موفق ایفا می‌کنند. تحلیل رابطه راهبردها با هوش موفق مطابق نمودار (۱) بدین قرار است.



شکل ۱. رابطه بین راهبردهای مؤثر در هوش موفق با رویکرد آموزشی در حالت تخمین ضرایب مسیر

جدول ۳. ضریب مسیر بین مولفه‌ها و گویه‌های راهبردهای مؤثر در حالت تخمین ضرایب مسیر

شماره سوال	گویه	ضریب مسیر
۴۵	در تدریس، تلاش می‌کنم دانشجویان را فعالانه وارد فرایند یادگیری کنم، نه صرفاً شنونده اطلاعات.	۰.۴۵۴
۴۶	در آموزش، بین تفکر تحلیلی، خلاقانه و عملی تعادل ایجاد می‌کنم تا یادگیری عمیق‌تری شکل گیرد.	۰.۳۹۲
۴۷	از ابزارها و روش‌های متنوع (فیلم، بازی، نقشه ذهنی، فناوری آموزشی) برای جذاب‌سازی یادگیری استفاده می‌کنم.	۰.۴۹۵
۴۸	در صورت عدم اثربخشی یک روش، انعطاف‌پذیر عمل می‌کنم و روش‌های جایگزین را به کار می‌گیرم.	۰.۴۸۹
۴۹	فضای کلاس را به گونه‌ای طراحی می‌کنم که دانشجو بدون ترس از قضاوت، بتواند سؤال بپرسد و نقد کند.	۰.۶۹۶
۵۰	سعی می‌کنم مطالب درسی را با مثال‌های کاربردی و مسائل واقعی زندگی یا شغل پیوند دهم.	۰.۷۰۸
۵۱	به جای تأکید صرف بر آزمون کتبی، از پروژه، ارائه، تحلیل موردی و بازخورد برای ارزیابی استفاده می‌کنم.	۰.۷۳۰
۵۲	پس از هر جلسه تدریس، عملکرد خود را بازبینی کرده و به دنبال بهبود آن هستم.	۰.۶۹۰
۵۳	ارتباطم با دانشجویان بر پایه همدلی، احترام و گفت‌وگوی دوسویه است، نه فقط انتقال دستورالعمل.	۰.۷۵۶
۵۴	گاهی از روایت‌های شخصی، داستان‌گویی یا طنز برای انتقال مفاهیم درسی استفاده می‌کنم.	۰.۷۲۲
۵۵	پیش از هر کلاس، ویژگی‌های مخاطب و اهداف یادگیری را تحلیل کرده و بر آن اساس سناریوی تدریس طراحی می‌کنم.	۰.۷۵۴

تحلیل جدول و نمودار مربوط به رابطه راهبردها و مؤلفه‌های آن با متغیر هوش موفق با رویکرد آموزشی نشان می‌دهد که راهبردهای آموزشی، سطح عملیاتی و اجرایی هوش موفق را شکل می‌دهند و نقش تعیین‌کننده‌ای در تبدیل توانمندی‌های شناختی و نگرشی اساتید به کنش‌های آموزشی مؤثر دارند. ضریب مسیر ۰.۷۰۴ بیانگر وجود رابطه‌ای مثبت، قوی و معنادار میان هوش موفق با رویکرد آموزشی و راهبردهای تدریس است؛ به این معنا که هرچه سطح هوش موفق بالاتر باشد، میزان استفاده آگاهانه، انعطاف‌پذیر و خلاقانه از راهبردهای آموزشی نیز افزایش می‌یابد. همچنین مقدار R^2 برابر با ۰.۴۹۶ نشان می‌دهد که حدود ۶/۴۹ درصد از واریانس راهبردهای آموزشی توسط متغیر هوش موفق تبیین می‌شود که بیانگر قدرت تبیین بالا و جایگاه کلیدی این متغیر در مدل مفهومی پژوهش است. بررسی ضرایب مسیر گویه‌ها نشان می‌دهد که راهبردهای مبتنی بر تعامل انسانی و فضای روانی کلاس بیشترین نقش را در ارتباط با هوش موفق دارند. بالاترین ضریب مسیر به گویه ارتباط همدلانه، محترمانه و دوسویه با دانشجویان (۰.۷۵۶) اختصاص یافته است. این یافته نشان می‌دهد که بعد اجتماعی و ارتباطی هوش موفق، یکی از مهم‌ترین پایه‌های راهبردهای آموزشی اثربخش است. همچنین ایجاد فضایی امن برای پرسش‌گری و نقد بدون ترس از قضاوت (۰.۶۹۶) نشان می‌دهد که هوش موفق در عمل، مستلزم شکل‌دهی به اقلیم روان‌شناختی مثبت و حمایتی در کلاس درس است. راهبردهای مرتبط با کاربردی‌سازی و معنادار کردن یادگیری نیز ضرایب مسیر بالایی دارند. پیوند دادن مطالب درسی با مسائل واقعی زندگی یا شغل (۰.۷۰۸)، استفاده از روایت شخصی، داستان‌گویی و طنز (۰.۷۲۲) و به‌کارگیری روش‌های متنوع ارزیابی مانند پروژه، ارائه و تحلیل موردی (۰.۷۳۰) نشان می‌دهد که اساتید برخوردار از هوش موفق، به‌جای تمرکز صرف بر انتقال محتوا، بر تجربه یادگیری عمیق، پایدار و

انتقال‌پذیر تأکید دارند. این راهبردها به‌طور همزمان ابعاد خلاق و عملی هوش موفق را فعال می‌سازند. در حوزه طراحی و بازاندهی آموزشی نیز یافته‌ها قابل توجه است. تحلیل ویژگی‌های مخاطب و اهداف یادگیری پیش از هر کلاس و طراحی سناریوی تدریس متناسب با آن (۰.۷۵۴) نشان می‌دهد که راهبردهای مبتنی بر برنامه‌ریزی تحلیلی و آگاهانه، نقش مهمی در تحقق هوش موفق دارند. همچنین بازبینی عملکرد تدریس پس از هر جلسه (۰.۶۹۰) بیانگر آن است که خودارزیابی و یادگیری مستمر استاد، بخشی جدایی‌ناپذیر از راهبردهای مبتنی بر هوش موفق است و به بهبود مداوم کیفیت آموزش می‌انجامد. راهبردهای مربوط به تنوع، انعطاف‌پذیری و پویایی روش تدریس نیز جایگاه معناداری دارند. استفاده از ابزارها و روش‌های متنوع آموزشی مانند فیلم، بازی، نقشه ذهنی و فناوری آموزشی (۰.۴۹۵) و انعطاف‌پذیری در تغییر روش در صورت عدم اثربخشی (۰.۴۸۹) نشان می‌دهد که اساتید هوشمند موفق، تدریس را فرایندی ثابت و از پیش تعیین‌شده نمی‌دانند، بلکه آن را متناسب با شرایط کلاس، بازخورد دانشجویان و اهداف یادگیری تنظیم می‌کنند. این راهبردها بیش از همه با بعد عملی هوش موفق همخوانی دارند. در مقابل، گویه‌هایی نظیر فعال‌سازی دانشجویان در فرایند یادگیری (۰.۴۵۴) و ایجاد تعادل میان تفکر تحلیلی، خلاقانه و عملی (۰.۳۹۲) ضرایب مسیر پایین‌تری نسبت به سایر راهبردها دارند، اما همچنان معنادارند. این امر نشان می‌دهد که اگرچه این راهبردها از نظر مفهومی بسیار مهم‌اند، تحقق عملی آن‌ها ممکن است بیش از سایر راهبردها تحت تأثیر محدودیت‌های زمینه‌ای، فرهنگی یا ساختاری قرار گیرد. با این حال، وجود رابطه معنادار تأیید می‌کند که این مؤلفه‌ها نیز بخشی از منظومه راهبردی هوش موفق محسوب می‌شوند. در مجموع، نتایج جدول و نمودار نشان می‌دهد که راهبردهای آموزشی، جلوه عینی و اجرایی هوش موفق با رویکرد آموزشی هستند. قدرت تبیین بالای مدل بیانگر آن است که هوش موفق، نه تنها یک چارچوب نظری، بلکه الگویی عملی برای انتخاب، طراحی و اجرای راهبردهای تدریس محسوب می‌شود. این راهبردها، از طریق تعامل انسانی، انعطاف‌پذیری روش، کاربردی‌سازی محتوا، تنوع ارزیابی و بازاندهی مستمر، زمینه یادگیری عمیق، معنادار و پایدار را در آموزش دانشگاهی فراهم می‌سازند و نقش کلیدی در ارتقای کیفیت تدریس ایفا می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش طراحی و اعتبارسنجی مدل ساختاری تأثیر هوش موفق با رویکرد آموزشی بر توانمندسازی روان‌شناختی اساتید دانشگاه‌های استان گلستان بود. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل‌های معادلات ساختاری نشان داد که هوش موفق با رویکرد آموزشی، اثر مثبت، مستقیم و معناداری بر توانمندسازی روان‌شناختی اساتید دارد و بخش قابل توجهی از واریانس این سازه را تبیین می‌کند. این یافته نشان می‌دهد که توانایی اساتید در به‌کارگیری همزمان تفکر تحلیلی، خلاق و عملی در موقعیت‌های آموزشی، نقش کلیدی در تقویت احساس شایستگی، معنا،

خودمختاری و اثرگذاری حرفه‌ای آنان ایفا می‌کند. چنین نتیجه‌ای با مبانی نظری هوش موفق همخوان است که موفقیت حرفه‌ای را حاصل توازن پویا میان قابلیت‌های شناختی و کاربرد مؤثر آن‌ها در بافت واقعی می‌داند (Sternberg, 2020).

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که راهبردهای آموزشی استخراج‌شده، نقش میانجی مؤثری در رابطه بین هوش موفق و توانمندسازی روان‌شناختی دارند. این نتیجه بیانگر آن است که هوش موفق صرفاً یک ظرفیت بالقوه شناختی نیست، بلکه از طریق کنش‌های آموزشی عینی مانند طراحی آگاهانه سناریوی تدریس، ایجاد تعامل همدلانه با دانشجویان، کاربردی‌سازی محتوا و انعطاف‌پذیری در روش‌های ارزشیابی، به تجربه درونی توانمندی منجر می‌شود. این تبیین با نتایج پژوهش‌هایی همسو است که نشان داده‌اند آموزش مبتنی بر هوش موفق می‌تواند به بهبود شایستگی‌های حرفه‌ای و خودکارآمدی معلمان و اساتید منجر شود (Amani, 2022; Majooni & Taajobi, 2022). در واقع، زمانی که اساتید احساس می‌کنند توانایی تحلیل موقعیت‌های آموزشی، خلق راه‌حل‌های نو و اجرای اثربخش آن‌ها را دارند، تجربه ذهنی توانمندسازی در آنان تقویت می‌شود.

نتیجه مهم دیگر پژوهش آن بود که مؤلفه‌های ارتباط دوسویه و همدلانه با دانشجویان و طراحی آگاهانه سناریوی تدریس، بالاترین بارهای عاملی را در مدل به خود اختصاص دادند. این یافته نشان می‌دهد که بعد اجتماعی و ارتباطی هوش موفق، نقش برجسته‌ای در توانمندسازی روان‌شناختی اساتید دارد. این نتیجه با مطالعاتی که بر نقش هوش موفق در بهبود تعاملات آموزشی، سازگاری اجتماعی و تنظیم هیجانی تأکید کرده‌اند، همخوان است (Khaleghitabar et al., 2022; Mohkamkar et al., 2024). به نظر می‌رسد اساتیدی که قادرند فضای امن روان‌شناختی در کلاس ایجاد کنند و ارتباط آموزشی را از حالت یک‌سویه خارج سازند، احساس اثرگذاری و معنا را در نقش حرفه‌ای خود بیشتر تجربه می‌کنند.

از منظر تبیینی، یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج مطالعات ساختاری پیشین که رابطه هوش موفق با متغیرهای عمیق روان‌شناختی مانند خرد، خودکارآمدی و بهزیستی روان‌شناختی را نشان داده‌اند، همسو است (Derakhshan & Bagheri, 2022; Ghorbani et al., 2022). این همسویی بیانگر آن است که هوش موفق می‌تواند به‌عنوان یک سازه زیربنایی، از طریق تقویت ادراک شایستگی و کنترل شخصی، به توانمندسازی روان‌شناختی منجر شود. در این چارچوب، توانمندسازی نه یک پیامد بیرونی، بلکه فرآیندی درونی است که ریشه در ادراک شناختی فرد از توانایی‌های خود دارد.

همچنین نتایج این پژوهش با مطالعات مداخله‌ای اخیر که اثربخشی آموزش هوش موفق را بر متغیرهای انگیزشی، شناختی و هیجانی در دانش‌آموزان و نوجوانان گزارش کرده‌اند، قابل تبیین است (Fathi Azar et al., 2024; Khaleghinejad, 2025; Khaleghinejad et al., 2025). اگرچه جامعه آماری این مطالعات متفاوت بوده است، اما شباهت الگوی اثرگذاری نشان می‌دهد که مکانیسم‌های هوش موفق

در سطوح مختلف نظام آموزشی عمل می‌کنند و محدود به یک مقطع خاص نیستند. تعمیم این منطق به آموزش عالی، یافته‌های پژوهش حاضر را تقویت می‌کند و نشان می‌دهد که اساتید نیز می‌توانند از آموزش و به‌کارگیری راهبردهای هوش موفق، برای ارتقای توانمندی‌های روان‌شناختی خود بهره‌مند شوند.

در بعد سازمانی، نتایج این پژوهش با مطالعات انجام‌شده در حوزه مدیریت آموزشی و رهبری مدارس که بر نقش هوش موفق در توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای مدیران تأکید کرده‌اند، همراستا است (Ghaebi Mihandoust et al., 2022; Ghaebi Mihmandoust et al., 2021; Ghayebi Mehmandoost et al., 2023). این همراستایی نشان می‌دهد که هوش موفق می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب مشترک برای توسعه منابع انسانی در سطوح مختلف نظام آموزشی مورد استفاده قرار گیرد و نقش پل ارتباطی میان قابلیت‌های فردی و عملکرد حرفه‌ای را ایفا کند.

از منظر نظری، یافته‌های پژوهش حاضر گواه آن است که ترکیب نظریه هوش موفق با رویکرد آموزشی، می‌تواند مدلی جامع برای تبیین توانمندسازی روان‌شناختی اساتید ارائه دهد. این مدل نشان می‌دهد که توانمندسازی نتیجه تعامل پویا میان توانش‌های شناختی (تحلیلی، خلاق و عملی) و راهبردهای آموزشی عینی است. چنین نگاهی، فراتر از رویکردهای سنتی توانمندسازی است که بیشتر بر ساختارهای سازمانی یا مشوق‌های بیرونی تمرکز دارند و کمتر به فرآیندهای شناختی-آموزشی توجه می‌کنند.

در مجموع، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هوش موفق با رویکرد آموزشی، نه‌تنها یک مفهوم نظری، بلکه چارچوبی کاربردی برای ارتقای کیفیت آموزش عالی و بهزیستی حرفه‌ای اساتید است. توانمندسازی روان‌شناختی اساتید زمانی به‌طور پایدار تحقق می‌یابد که برنامه‌های توسعه حرفه‌ای، به‌جای تمرکز صرف بر انتقال دانش تخصصی، به پرورش تفکر تحلیلی، خلاق و عملی و ترجمه آن‌ها به راهبردهای آموزشی اثربخش توجه کنند.

این پژوهش با وجود دستاوردهای نظری و کاربردی، با محدودیت‌هایی همراه است. نخست آن‌که جامعه آماری پژوهش به اساتید دانشگاه‌های استان گلستان محدود بوده و این امر تعمیم‌پذیری نتایج به سایر استان‌ها یا بافت‌های دانشگاهی را با احتیاط مواجه می‌سازد. دوم، داده‌های کمی پژوهش به‌صورت مقطعی گردآوری شده‌اند و از این‌رو، استنباط روابط علی باید با دقت صورت گیرد. سوم، استفاده از ابزار خودگزارشی ممکن است تحت تأثیر سوگیری‌های پاسخ‌دهی قرار گرفته باشد.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده این مدل را در سایر بافت‌های فرهنگی و دانشگاهی کشور مورد آزمون قرار دهند تا اعتبار بیرونی آن افزایش یابد. همچنین انجام مطالعات طولی یا نیمه‌آزمایشی با طراحی مداخلات آموزشی مبتنی بر هوش موفق می‌تواند شواهد قوی‌تری درباره روابط

علی ارائه دهد. بررسی نقش متغیرهای میانجی یا تعدیل گر دیگر مانند فرهنگ سازمانی، حمایت نهادی یا ویژگی‌های شخصیتی اساتید نیز می‌تواند به غنای مدل کمک کند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های توسعه حرفه‌ای اساتید دانشگاه به گونه‌ای طراحی شوند که به‌طور همزمان تفکر تحلیلی، خلاق و عملی را تقویت کنند. بازنگری در نظام‌های ارزشیابی عملکرد اساتید با تأکید بر راهبردهای آموزشی تعاملی و کاربردی، ایجاد کارگاه‌های آموزشی مبتنی بر سناریوهای واقعی تدریس و فراهم‌سازی بسترهای حمایتی برای نوآوری آموزشی می‌تواند به ارتقای توانمندسازی روان‌شناختی اساتید و بهبود کیفیت آموزش عالی منجر شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

Extended Abstract

Introduction

Contemporary higher education systems are increasingly challenged by rapid social, technological, and organizational transformations that require faculty members to go beyond traditional roles of content delivery and disciplinary expertise. University professors are now expected to demonstrate adaptive thinking, creativity in teaching, problem-solving ability, and effective engagement with complex educational environments. Within this context, psychological empowerment has emerged as a critical construct, referring to individuals' internal experience of meaning, competence, self-determination, and impact in their professional roles. Empowered faculty members tend to show higher instructional quality, stronger professional commitment, and greater openness to innovation.

Recent educational research suggests that psychological empowerment cannot be fully explained by organizational structures alone and must be examined through cognitive and educational lenses. One promising

framework in this regard is Sternberg's theory of successful intelligence, which conceptualizes success as the balanced and context-sensitive integration of analytical, creative, and practical abilities (Sternberg, 2020). According to this theory, individuals achieve professional effectiveness not merely through analytical reasoning, but by creatively generating solutions and practically applying them in real-life contexts.

Empirical studies conducted in educational settings have increasingly demonstrated the effectiveness of successful intelligence-based training in enhancing motivational, cognitive, and emotional outcomes among learners. Research on students and adolescents indicates that instruction grounded in successful intelligence improves intrinsic motivation, academic optimism, emotional self-awareness, and engagement (Fathi Azar et al., 2024; Mohkamkar et al., 2024). Moreover, intervention studies focusing on risky behaviors have shown that successful intelligence training packages can reduce high-risk tendencies and strengthen adaptive functioning (Z. Baramake et al., 2024; Zahra Baramake et al., 2024; Baramkeh et al., 2024).

Beyond student populations, evidence also points to the relevance of successful intelligence for educators and educational leaders. Studies have linked successful intelligence to teachers' professional competence, creative performance, and self-efficacy (Amani, 2022; Majooni & Taajobi, 2022). Structural models further suggest that successful intelligence predicts higher-order psychological constructs such as wisdom, psychological well-being, and self-efficacy, highlighting its deep connection with empowerment-related processes (Derakhshan & Bagheri, 2022; Ghorbani et al., 2022). In management and leadership research, successful intelligence has been identified as a key component of professional competency models for school administrators, especially when integrated with managerial and personality intelligence (Ghaebi Mihandoust et al., 2022; Ghaebi Mihmandoust et al., 2021; Ghayebi Mehmandoost et al., 2023).

Despite this growing body of evidence, a notable gap remains in higher education research, particularly in developing localized and structural models that explain how successful intelligence, when operationalized through educational strategies, contributes to the psychological empowerment of university professors. Most existing studies focus on students, school teachers, or administrators, leaving faculty members in universities underexplored. Addressing this gap is especially important in developing educational systems, where faculty empowerment is essential for sustainable academic development.

Accordingly, the present study seeks to design and validate a structural model explaining the effect of successful intelligence with an educational approach on the psychological empowerment of university professors in Golestan Province, Iran.

Methods and Materials

This study employed an applied research design using a sequential exploratory mixed-methods approach. In the qualitative phase, semi-structured interviews were conducted with university experts who possessed extensive academic experience and senior academic ranks. Purposeful sampling was used, and data collection continued until theoretical saturation was achieved. The qualitative data were analyzed using grounded theory

procedures, including open, axial, and selective coding, to extract core categories and educational strategies related to successful intelligence.

Based on the qualitative findings, a researcher-developed questionnaire was constructed and refined. In the quantitative phase, the statistical population consisted of faculty members from public, private, and medical universities in Golestan Province. Using stratified random sampling, 289 professors were selected as the study sample. Data were analyzed using descriptive statistics and partial least squares structural equation modeling (PLS-SEM). Reliability and validity were assessed through Cronbach's alpha, composite reliability, average variance extracted (AVE), and factor loadings.

Findings

The results of the structural equation modeling indicated that successful intelligence with an educational approach had a positive, direct, and statistically significant effect on professors' psychological empowerment. The proposed model demonstrated strong explanatory power, accounting for 49.6% of the variance in psychological empowerment.

Educational strategies derived from the qualitative phase played a significant mediating role in the model. These strategies included empathetic two-way communication with students, conscious instructional scenario design, practical application of course content, flexible teaching methods, diverse assessment practices, and continuous instructional self-reflection. Among these, empathetic interaction with students and deliberate instructional planning exhibited the highest factor loadings, indicating their central role in translating successful intelligence into empowered teaching practice.

The path coefficients revealed a strong and significant relationship between successful intelligence and the use of effective educational strategies, suggesting that higher levels of analytical, creative, and practical thinking among professors lead to more adaptive and student-centered instructional behaviors. The measurement model demonstrated satisfactory reliability and convergent validity across all constructs.

Discussion and Conclusion

The findings of this study confirm that successful intelligence, when operationalized through concrete educational strategies, constitutes a powerful predictor of psychological empowerment among university professors. The results suggest that empowerment is not merely an organizational outcome, but a cognitively mediated and educationally enacted process. Professors who are capable of analyzing instructional contexts, creatively designing learning experiences, and practically implementing adaptive teaching strategies are more likely to experience a sense of competence, autonomy, meaning, and professional impact.

The prominence of empathetic communication and instructional scenario design underscores the importance of the social and reflective dimensions of teaching in higher education. Empowerment emerges when faculty members perceive themselves as active agents who shape the learning environment rather than passive transmitters of knowledge. This perspective aligns with contemporary views of teaching as a dynamic, relational, and context-sensitive practice.

The study contributes theoretically by integrating successful intelligence theory with psychological empowerment in a higher education context and empirically by offering a validated structural model grounded in local academic realities. Practically, the findings suggest that faculty development programs should move beyond technical skill training and focus on cultivating balanced analytical, creative, and practical thinking through authentic educational strategies.

In conclusion, successful intelligence represents a viable and effective framework for enhancing both instructional quality and faculty well-being. Embedding this approach into professional development policies can foster empowered, adaptive, and innovative professors who are better equipped to meet the evolving demands of higher education systems.

References

- Amani, M. (2022). *Investigating Teachers' Professional Competence Based on Cognitive Abilities and Successful Intelligence in Elementary School Teachers in Tehran* Payame Noor University, Tehran Province].
- Baramake, Z., Fadavi, M., & Yousefi, Z. (2024). Comparison of the Effectiveness of the Successful Intelligence Training Package Focused on Risky Behaviors with the Executive Functioning Improvement Package on the Inclination to Risky Behavior and Family Affinity among Female Middle School Students Engaged in Risky Behaviors. *Health Nexus*, 2(1), 78-88. <https://doi.org/10.61838/kman.hn.2.1.9>
- Baramake, Z., Fadavi, M. S., & Yousefi, Z. (2024). Development of a Successful Intelligence Training Package Aimed at Reducing High-Risk Behaviors Especially for Teenagers. *Journal of Psychological Dynamics in Mood Disorders (PDMD)*, 2(4), 101-114. <https://doi.org/10.22034/pdmd.2024.444922.1054>
- Baramkeh, Z., Fadavi, M. S., & Yousefi, Z. (2024). Developing a successful intelligence training package aimed at reducing high-risk behaviors in adolescents. *Psychological Dynamics in Mood Disorders*, 2(4), 101-114. <https://doi.org/10.61838/kman.pdmd.2.4.11>
- Derakhshan, N. B., & Bagheri, F. (2022). A Structural Model Predicting Wisdom Based on Successful Intelligence and Psychological Well-Being with the Mediating Role of Self-Efficacy. *Journal of Applied Family Therapy*, 3(1), 565-586. <https://doi.org/10.61838/kman.aftj.3.1.28>
- Fathi Azar, S., Ghafari Nouran, A., Kiamarthy, A., & Rezaei Sharif, A. (2024). Comparison of the effectiveness of self-determination and successful intelligence training on increasing intrinsic motivation and academic optimism in high-burnout female students. *Journal of Modern Psychological Researches*, 19(74), 50-61. https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article_18165.html
- Ghaebi Mihandoust, M. R., Ghadami, M., Sa'adati Shamir, A., & Rezaei, S. (2022). Islamic Managerial Intelligence and Successful Intelligence of Exceptional School Principals. *Iranian Political Sociology*, 5(11), 4551-4566.
- Ghaebi Mihmandoust, M. R., Ghadami, M., Saadati Shamir, A., & Rezaei, S. (2021). Developing a Competency Model for Professional Qualifications of Special School Managers Based on Managerial and Successful Intelligence with a Mediating Role of Personality Intelligence. *Psychology of Exceptional Individuals*, 11(42), 83-110. https://jpe.atu.ac.ir/article_13112.html
- Ghayebi Mehmandoust, M., Ghadami, M., Seadatee Shamir, A., & Rezaei, S. (2023). Islamic Managerial Intelligence and Successful Intelligence of Exceptional School Administrators. *Political Sociology of Iran*, 5, 4551-4566. <https://doi.org/10.30510/psi.2022.362716.3993>
- Ghorbani, R., Khormaiee, F., & Ghasemi, H. (2022). The Model of Wisdom: Role of Personality Traits, Successful Intelligence With the Meditating of Patience and Self-Efficacy. <https://www.sid.ir/paper/1074501/en>
- Kamkar, P., Dortaj, F., Saadi Pour, I., Delavar, A., & Barjaghi, A. (2021). The Effectiveness of Successful Intelligence Components Training Based on Sternberg's Triarchic Theory on Increasing Fluid Reasoning and Verbal Comprehension. *Psychological Sciences*, 20(104), 1521-1266. <https://doi.org/10.52547/JPS.20.104.1251>
- Kamkar, P., Dortaj, F., Saedipour, E., Delavar, A., & Borjali, A. (2021). Investigating the Effectiveness of Successful Intelligence Components Training Based on Sternberg's Triarchic Theory on Increasing Fluid Reasoning and Verbal Comprehension. *The Journal of Psychological Science*, 20(104), 1251-1266. <https://doi.org/10.52547/jps.20.104.1251>
- Khaleghinejad, M. (2025). Comparison of the Effectiveness of Cognitive Hypnotherapy and Successful Intelligence Training on the Mental Toughness of Twelfth-Grade Male Students in District 4 of Tehran. *Jayps*, 6(2), 7-14. <https://doi.org/10.61838/kman.jayps.6.2.2>
- Khaleghinejad, M., Janangir, P., & Dokaneifard, F. (2025). Comparison of the Effectiveness of Cognitive Hypnotherapy and Successful Intelligence Training on the Cognitive Empowerment of Male 12th Grade Students in District 4 of Tehran. *International Journal of Education and Cognitive Sciences*, 6(1), 38-46. <https://doi.org/10.61838/kman.ijecs.6.1.4>
- Khaleghitabar, S., Kashani, L., Seadatishamir, A., & Abolmaali Alhoseyni, K. (2022). The effect of successful intelligence training on tolerance of ambiguity, self-regulated learning strategies, and social adjustment in students. *medical journal of mashhad university of medical sciences*, 65(3). https://mjms.mums.ac.ir/article_21702.html?lang=en

- Kiani, M., & Zangeneh, M. (2022). The Impact of an Intelligence Enhancement Program Based on Successful Intelligence Components (Visual, Verbal, Numerical) on Strengthening Multiple Intelligences in Elementary Students. *Journal of New Psychological Research*, 67, 137-146. <https://www.magiran.com/p2535137>
- Majooni, H., & Taajobi, M. (2022). The Effect of Successful Intelligence on Creative Performance through the Mediating Role of Teachers' Self-efficacy. *New Educational Approaches*, 17(1), 85-98. https://nea.ui.ac.ir/article_27169_en.html
- Mohkamkar, A., Shaterian, F., & Nikookar, A. (2024). The Effectiveness of Education based on Successful Intelligence on Emotional Self-Awareness and Academic Engagement of Secondary School Students. *Sociology of Education*, 10(1), 305-313. <https://doi.org/10.22034/ijes.2024.2015018.1493>
- Sternberg, R. J. (2020). The Augmented Theory of Successful Intelligence. In R. J. Sternberg (Ed.), *Cambridge Handbook of Intelligence* (pp. 1-10). <https://doi.org/10.1017/9781108770422.029>